



سال هفتم - شماره‌ی بیست و دوم - بهار ۱۳۹۶

صص ۱-۲۲

بررسی رابطه‌ی وضعیت کالبدی-فضایی، جرم و احساس امنیت در فضاهای شهری (مطالعه‌ی موردی پیاده‌روها در شهر خرم‌آباد)

هوشنگ نایی^۱، مهدی سلیمانی^۲

چکیده

هدف مقاله بررسی رابطه‌ی میان کیفیت طراحی شهری، جرم و احساس امنیت در پیاده‌روهای شهر خرم‌آباد است. فرضیه‌های تحقیق بر اساس نظریات هیلر، راجرز، جیکوبز، گالن و مدنی‌پور تنظیم شده است. پژوهش از نوع کمی، مقطعی و پنهانگر (پیمایش) در سطح جامعه‌شناسی خرد است. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و با حجم نمونه‌ی ۳۶۱ نفر صورت گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و برای تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است. برای بررسی رابطه‌ی بین متغیرها از آزمون خی دو و ضرایب وی کرامرز، گاما، تاوی بی کندال و ضریب همبستگی رواسپیرمن استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند بین امکان ارتکاب جرم و احساس امنیت رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین بین کیفیت طراحی شهری و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری مشاهده شد. در مقام مقایسه‌ی بین کیفیت طراحی شهری و امکان وقوع جرم، متغیر جرم رابطه‌ی قوی‌تری با احساس امنیت وجود دارد.

کلید واژگان: احساس امنیت، کیفیت طراحی شهر، جرم، امکان وقوع جرم.

hnayebi@social.ut.ac.ir

mahdi.soleymani.p@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۴

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۹۵/۸/۲۶

مقدمه و بیان مسأله

در آستانه‌ی هزاره‌ی سوم فضاهای عمومی شهری به عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نماید مورد توجه قرار گرفته است. فضاهای شهری مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند و منحصر به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور و فعالیت انسان است که معنا پیدا می‌کنند. پیاده‌رو از جمله فضاهای عمومی شهری مهم محسوب می‌شوند. فضای عمومی شهر صحنه‌ی نمایش زندگی روزمره‌ی مردم است. اهمیت فضای عمومی در دسترسی برابر برای همه‌ی افراد جامعه است. اولین گام برای دستیابی به عرصه‌ی عمومی که ضامن تحقق جامعه‌ی مدنی است، تشویق مردم به حضور در فضاهای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همه‌ی افراد و گروه‌ها به آن است. از مهمترین عوامل تهدیدکننده‌ی حضور مردم، ترس از قربانی شدن و بزه دیده شدن و یا مورد تعرض قرار گرفتن در فضای عمومی شهری و کیفیت طراحی شهری است. در فرآیند شهرنشینی از یک طرف مناطق شهری پر زرق و برق و فریبنده‌ای را می‌بینیم که مجموعه‌ی گیج‌کننده‌ای از ساختمان‌های زیبا و امروزی و هتل‌ها و رستوران‌های شیک و مجلل است و از طرف دیگر هزاران هزار ساکن شهر در حاشیه‌ی رشد اقتصادی قرار می‌گیرند که داعیه‌ی آنان برای تملک و استفاده از شهر به همان اندازه موجه و مشروع است، اما غالباً کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرد. مهاجران، محرومان و بینوایان روز به روز در مراکز شهری بیشتر و بیشتر می‌شوند. مجاورت و همجواری زندگی‌های سرشار از ثروت و نعمت و معیشت‌های بخور و نمیر در فضاهای عمومی شهری، زندگی پر تحرک خیابانی، جریان بی‌وقفه‌ی عابران پیاده، تصویر هزارتکه و در هم و برهمی به وجود آورده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۵۰). دونه در کتاب خویش «پیاده رو»^۱ تصویر پیچیده‌ای از زندگی ترسیم می‌کند که مواد مخدر، اعتیاد، الکلیسم، بی‌خانمانی، عجز و ناتوانی، بی‌سوادی و محکومیت به زندان مشخصه‌ی آن است. او همچنین اجتماع نیرومندی را توصیف می‌کند که در این پیاده روها وجود دارند. پیاده‌روهای شهری خرده جهانی از تفاوتها و نابرابری‌های بارزی است که

1- Sidewalk

مشخصه‌ی شهرهای بزرگ است. فرآیند جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات موجب هرچه ژرف‌تر شدن فرآیند شهرنشینی و کشیده شدن تعداد بیشتری از مردم و تمرکز یافتن فعالیت‌های اقتصادی در آنها شده است. اکنون بیش از هر وقت دیگری شهرها محل تلاقی طیف سرسام‌آوری از فرهنگ‌ها و خواستگاه‌ها شده‌اند. فرهنگ عامه هویتی است که در سطح خرد و به شیوه‌ای اجتماعی بنیاد یافته و حاصل رویارویی‌های است که به زندگی روزانه‌ی ما در خیابان‌ها، پیاده‌روها، پارک‌ها یا همان فضاهایی که زندگی عمومی خود را در آنها تجربه می‌کنیم، شکل می‌دهد. زوکین معتقد است مهمترین تهدید برای فرهنگ عمومی نگرانی‌ها و ترس‌های ناشی از تهدیدات و اعمالی نظیر ضرب و شتم، شورش‌های ناگهانی، جنایات و نظایر آن است که حضور در فضای عمومی شهر را دچار تهدید می‌کند. مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، ترور، آلودگی‌های هوا و آب، زلزله و سیل، تداخل وسایل نقلیه و پیاده‌روها روبه‌رو هستند. کشورهای پیشرفته گرچه توانسته‌اند بسیاری از تهدیدهای طبیعی را کنترل کنند، ولی مشکلات کنترل‌ها تهدیدهای انسانی در این کشورها رو به افزایش است؛ از این رو زوکین در کتاب فرهنگ شهرها می‌گوید: «فضاهای شهری به اندازه‌ی کافی برای مردم امن نیستند تا آنها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند». (زوکین، ۱۹۹۵: ۳۸). در یکی دو دهه‌ی اخیر ترکیبی از تحولات اجتماعی و اقتصادی اغلب در جوامع در حال توسعه، از جمله کشور ما را نگران امنیت و از جمله امنیت فردی کرده است. تحولات عمیق و گسترده‌ی اقتصادی همراه با فراز و فرودهای فرهنگی، زندگی آحاد جامعه را به شدت دگرگون ساخته است. امنیت اقتصادی - واقعیتی که نگرانی عمومی را در زمینه‌ی بیکاری فزاینده و همچنین سایر اشکال روبه‌گسترش ناامنی شغلی بازتاب می‌دهد - نامنی در خیابان‌ها و پیاده‌روها و سایر تهدیدات نسبت به مسائل شهروندان را تقویت کرده است (دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). احساس امنیت در فضای شهری از یک سو با مسائل اجتماعی از جمله جرم ارتباط پیدا می‌کند، از سوی دیگر باید میان ترس و خطر و احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی درک اثرات جرم یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم

اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می‌شود که بسیاری از مردم از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرار گرفتن‌شان را کاهش دهند، که این خود می‌تواند به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی منجر شود (کارمونا، ۲۰۰۳: ۱۲۰). زمانی که فضا برای آسایش و حضور ایمن و فعال عابر پیاده در شهر مناسب نباشد، نخستین قشری که از حضور در شهر محروم می‌شوند، گروه‌های ویژه یعنی سالمندان، معلولان، کودکان و افراد بزرگسال می‌باشند. این در حالی است که این قشر در صد زیادی از استفاده‌کنندگان از فضای شهری را تشکیل می‌دهند و عدم حضور اینان در شهر به معنای آفت کیفیت شهر و سلب معنای شهری از آن است. قابلیت پیاده‌روی یا پیاده‌مدار بودن، شرایط مساعدی است که افراد پیاده به آسانی قادر به گردش در آن فضا هستند. این ویژگی، جنبه‌های مختلفی همچون اتصال، خوانایی، ایمنی و دسترسی به خدمات مورد نیاز افراد پیاده را در بر می‌گیرد (والداک، ۲۰۱۲: ۶۴). در این میان توجه به مقوله‌ی امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف دارد که با بررسی گسترش شهرها و در پی آن افزایش جمعیت شهرنشین و نیز تغییر کالبد و ساختار شهر، این مهم را درمی‌یابیم که این مقوله، ارتباط نزدیکی با تعاملات اجتماعی و در نتیجه، اتحاد و همبستگی گروه‌های مختلف سنی و جمعیتی و نیز ارتقای کیفیت شهری و افزایش سرزندگی و نشاط در جامعه را دارد. در واقع یک فضای شهری امن مستلزم تعاملات اجتماعی است، چنانکه آرامش و امنیت شهرها صرفاً به وسیله‌ی پلیس تأمین نمی‌شود، بلکه آرامش و امنیت عمده‌تاً به وسیله‌ی ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه‌ی هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به وسیله‌ی خود مردم اجرا می‌گردد (صالحی، ۲۰۰۹: ۱۱۳).

مطالعات انجام شده در زمینه‌ی امنیت و احساس امنیت در شهرها بیشتر از منظر مقاومت کالبدی نگاشته شده است و منابع علمی فراوانی در مورد مقاومت کالبدی شهرها در حجم و ابعاد وسیع وجود دارد اما از زاویه‌ی نگرش این پژوهش تحقیقات چندانی انجام نگرفته است. استان لرستان در سال‌های اخیر به خاطر اجرای یک سری برنامه‌های توسعه، شاهد تغییرات اجتماعی - فرهنگی بوده است. توسعه‌ی صنعتی و پیشرفت‌های فنی در این استان

مبنایی را برای تغییر از یک جامعه‌ی روستایی و عشایری به یک جامعه‌ی شهری و صنعتی فراهم نموده است. شتاب تحولات لاجرم عوارض و پیامدهایی در زندگی روزمره مردم پدید آورده، تغییر ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، تردیدها و تنش‌ها منجر به بروز مسائل اجتماعی مختلفی گردیده است. بروز این مسائل به نوبه‌ی خود بر کیفیت حضور و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری تأثیر گذاشته است. هدف اصلی پژوهش حاضر که مبتنی بر یک تحقیق کمی است، بررسی تأثیر وضعیت کالبدی- فضایی شهر و جرم بر احساس امنیت در فضاهای شهری (پیاده روها) است.

پیشینه‌ی پژوهش

موضوع پیاده‌روها و ساماندهی حرکت پیاده به اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ برمی‌گردد. در ابتدا در سال ۱۹۱۶ مکتب اکولوژی با نظریه‌ی محیط مساعد به تأثیر محیط بر شکل‌گیری جرائم اشاره کرد بدین طریق که بعضی از فضاهای شهری مستعد و تسهیل‌کننده‌ی بزهکاری و برخی دیگر مانع یا بازدارنده‌ی آن است. در دهه‌ی ۱۹۶۰ نیز جین جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، خیابانهای امن در شهر و کاهش وقوع جرائم شهری را در پی نظارت و حضور عابران پیاده مطرح می‌کند. در پی آن در نظریه‌ی فضاهای بی‌دفاع اسکار نیومن نیز برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ در کتاب "فضاهای بی‌دفاع" نظریه‌ی جلوگیری از وقوع جرم در فضاهای شهری عنوان شد. محمود توسلی و ناصر بنیادی در کتاب طراحی فضای شهری تقویت رفتارهای جمعی را از عوامل کاهش آسیبهای اجتماعی در محلات می‌دانند که این خود به شکل‌گیری فضاهای مختص اجتماعات شهری و در پی آن امنیت محیطی منجر می‌شود. تعامل یک فرد با فضاهای شهری، می‌تواند به رفع پیچیدگی احساس امنیت و ترس از جرم کمک کند. پیوند یک فرد با اجتماع خود می‌تواند منجر به افزایش یا کاهش احساس امنیت یا ترس او از جرم شود. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که اگر احساس شود که اجتماع محلی بدتر شده است و اگر احساس شود که منطقه‌ی بومی نسبت به سایر نقاط کشور دارای جرایم بیشتری است، آنگاه ترس از جرم افزایش می‌یابد و احساس امنیت کاهش می‌یابد (اوانز و فلتچر، ۲۰۰۸) و از سوی دیگر درک فضاهای شهری به عنوان یک

فضای بسامان و رضایت‌بخش، تأثیر بسیار زیادی بر ترس و احساس امنیت دارد (شافر و همکاران، ۲۰۰۶). بسیاری از مطالعات که متغیرهای مربوط به اجتماع (وضعیت فضاهای شهری) را در نظر گرفته‌اند، نشان داده‌اند که تلقی منفی یک فرد از وضعیت فضاهای شهری (اکاه، ۲۰۰۰)، احساس نظم یا نظارت اجتماعی و مشاهده‌ی بی‌نزاکتی در یک اجتماع محلی (مک‌گارل و همکاران، ۱۹۹۷؛ پارکینز و تیلور، ۱۹۹۶؛ مایز، ۲۰۰۱، اسکوغان، ۱۹۹۰) انسجام محله (مایز، ۲۰۰۱) و رضایت از محله بر میزان احساس امنیت و ترس از جرم تأثیر دارند. مایز دریافت که بی‌نزاکتی‌های اجتماعی همان تأثیری را بر احساس امنیت دارند که بی‌نزاکتی‌های فیزیکی دارند (مایز، ۲۰۰۱). زمانی که ساکنان نابسامانی را در محله‌ی خود درک می‌کنند، کنترل محله مورد تهدید قرار می‌گیرد، فعالیت‌های محله تضعیف شده و احساس امنیت کاهش می‌یابد (ص ۷۶، همان) اضمحلال اجتماعی و فیزیکی می‌تواند حاکی از این باشد که یک محله توان کنترل را از دست داده است و ترس از جرم را افزایش می‌دهد؛ این می‌تواند در مناطق جرم‌خیز رخ دهد.

مبانی نظری

در فضاهای شهری احساس امنیت به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با هم‌شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت در فضاهای شهری نشانگر سازمان‌یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵). نظارت یکی از رایجترین و سستی‌ترین روشهای ایجاد امنیت در یک محیط شهری است. کالبد نیز یک عامل مؤثر در امکان نظارت و در پی آن امنیت در فضاهای شهری است؛ بدین طریق که یک طراح شهری در طرح خود در مقیاس شهری و یا ساختمانی باید به این نکته التفات کند که از هرگونه طراحی فضا که در آن امکان نظارت عمومی را کم می‌کند، پرهیز نماید. از این رو باید به پتانسیلهای بالقوه‌ی مناطق شهری در کاهش یا جلوگیری از جرم توجه نمود (بنیامین، ۲۰۱۰: ۱۳۸). فضای شهری به ترکیبی اطلاق می‌شود که از فعالیتها، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و

عناصر و اجزای شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم و طبیعتاً با ارزشهای بصری سازمان یافته باشد. اگر خیابان یا میدانی واجد این خصوصیات باشد، در زمره‌ی فضای شهری قرار می‌گیرد، در غیر این صورت تنها راهی خواهد بود برای عبور ماشین یا فلکه و تقاطعی برای دور زدن سواره. فرم، فضا و کالبد عاملی در جان بخشیدن به فضاهای بدون دفاع شهری است (توسلی، ۲۰۱۳: ۶). کمبود امنیت، در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمرو فضای عمومی و خلق فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد. در جایی که مردم احساس عدم آسایش می‌کنند و یا می‌ترسند، قلمرو فضای عمومی تنزل می‌کند. عدم استفاده بعضی فضاها گاهی مربوط به ترس از حضور در آن فضاهاست. کوچه‌های تاریک، فضاهای خلوت و یا خیلی شلوغی که با آدم‌های ناجور پر شده‌اند، همچنین فضاهایی که با آدم‌های ناجور پر شده‌اند، همچنین فضاهایی که ممکن است اتفاق خاصی در آن رخ دهد، از جمله‌ی این فضاهاست. پیاده‌روهای کم عرض و ورودی به مکان‌هایی که توسط گلدایان، ولگردها و جوانان معتاد، بسته و یا سد می‌شوند نیز از جمله این فضاها هستند. به طور کلی زنان بیشتر از مردان از قربانی شدن ترس دارند. عدم احساس امنیت در فضاهای شهری به چند دسته‌ی زیر تقسیم می‌شوند: اندازه‌ی شهر، نرخ رشد شهر، کیفیت و ساختار فضایی محلات، وجود مسکن ناسالم، الگوی کاربری زمین و کمیت و کیفیت فعالیتها (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰).

بیل هیلر^۱ صاحب نظری متأخر است که بر ارتباط میان وضعیت فضایی و حرکت و تحلیل شبکه‌های عمومی که می‌تواند به نتایج کاربردی در طراحی مناسب‌تر فضای شهری بینجامد، توجه بسیار نشان داده است. از نظر او حضور مردم احساس امنیت را در فضای عمومی افزایش داده و ابزارهای اولیه را که به وسیله‌ی آن یک فضا به صورت طبیعی مراقبت می‌گردد را فراهم می‌نماید. هیلر بیش از همه به خاطر فعالیت‌هایش در زمینه‌ی معرفی و گسترش سامانه‌ی تحلیل چیدمان فضا شناخته شده است. این سامانه روشی است که به صورت گسترده رابطه‌ی میان حرکت عمدتاً پیاده و وضعیت فضای شهری و همچنین ارتباط

1- Hiller

میان تراکم‌های پیاده و کاربری‌های زمین را آشکار کرده و مستند نموده است (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۶۱). هیلر معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. بنابراین وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس ایمنی را افزایش می‌دهد (هیلر، ۱۹۹۶: ۵۰). گروه هیلر با استفاده از نرم‌افزار اسپیس سیتکس با تمرکز بر بعد کالبدی، تجمیع خیابانها و لایه‌های آن را به عنوان مؤلفه‌های کلیدی در ایجاد محیط امن شهری معرفی کرده‌اند. از نظر این گروه بهترین محیط-های شهری، آنهایی هستند که به خوبی با الگویی شهر، یکپارچه شده‌اند و امنیت عمومی را ترویج می‌کنند (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

ال زلینکا و دین برنان دیگر ایده پردازانی هستند که در آستانه‌ی هزاره‌ی سوم و در کتاب منظر ایمن: ایجاد اجتماعات ایمن تر قابل زیست تر از طریق برنامه‌ریزی و طراحی، منظرسازی ایمن را به عنوان طرحی فضاهای عمومی برای ارتقای ادراکات ایمنی، کاهش جرم، ترس از جرم و احساس امنیت تعریف می‌کنند. ریچارد راجرز دیگر صاحب نظری است که در اثر خود با عنوان شهرهایی برای یک سیاره‌ی کوچک، عرصه‌ی عمومی را به عنوان عامل مشوق و تحرک در شهرها معرفی می‌نماید زیرا اعتقاد دارد که یک شهر پایدار باید دارای مشخصه-هایی همچون عدالت، زیبایی، فشردگی و چند مرکزی، تنوع، احساس امنیت و در نهایت ارتباطات آسان باشد که اطلاعات هم به صورت چهره به چهره و هم الکترونیکی مبادله شود (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۳: ۴۳).

جین جیکوبز^۱ معتقد است آنچه که از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر بویژه خیابانها و پیاده‌روهای آن هستند. جیکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۵) بنابراین پیاده‌روها باید سرزنده باشند برای آنکه بتوانند ساکنان بیشتری را به خود جلب کنند (جیکوبز، ۱۹۹۶: ۳۲). همچنین از نظر او برای سرزنده نگه‌داشتن خیابان باید در

1- Jacobs

پیاده‌روهای آن، اندازه‌ی مشخصی عابر حضور داشته باشد و البته تراکم بالا را به تنهایی برای سرزندگی کافی نمی‌داند. جیکوبز بیان می‌کند که آرامش فضای شهری، ابتدا به وسیله‌ی شبکه‌ی خودآگاه و پیچیده‌ی اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خود انتظامی بودن یک خیابان یا پیاده‌رو چنین توضیح می‌دهد:

«باید چشم‌های همواره خیابان را بنگرد، چشم‌های کسانی که ما آنها را مالک طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم و پیاده‌روهای خیابان باید به صورت مدام مورد استفاده قرار گیرد، تا بر نگاه‌های مؤثر بر خیابان افزوده گردد و به مردم ساکن در خیابان، نگرستن به خیابان آموزش داده شود. بنا بر این وی بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تأکید می‌کند. بدین ترتیب با استفاده از مشارکت عمومی می‌توان از وقوع درام بربریت ممانعت کرد، ولی این امر نباید مانع از عبور غریبه‌ها از فضا گردد» (جیکوبز، ۱۹۹۶: ۴۵).

بدین ترتیب باید در پیاده‌روها همواره زندگی اجتماعی در جریان باشد، از این رو سرزندگی از ویژگی‌های اساسی و اصلی پیاده‌روهاست. این فضا همچنین باید بتواند جاذب طیف وسیعی از شهروندان بوده و خود را همواره با رویدادهای درون خود هماهنگ سازد (جیکوبز، ۱۳۸۸).

نظریه‌ی دیدهای متوالی گوردن کالن^۱ در واقع تأکیدی بر ادراک فضایی و بصری در فضاهای شهری است. به باور او شهر مجموعه‌هایی است که می‌توان در آن حرکت کرد و به صورت «تباین پیوسته مناظر» آن را ادراک نمود؛ نه به صورت تصویری ثابت (گاسلینگ، ۱۹۶۶: ۴۳). کالن به این نکته اشاره داشت که برای آنکه مردم از حرکت در پیاده‌روها لذت ببرند، باید با الویت دادن به پیاده‌روها و پیوستگی آنها، شهر را برای حرکت پیاده آماده نمود. به اعتقاد او در حالی که شریانهای سواره‌ی هویت فردی را از بین می‌برند، وجود شبکه‌ای اندیشیده از راههای پیاده، الگویی انسانی به وجود می‌آورد (کالن، ۱۹۶۱: ۵۴). کالن با این باور که محیط شهری می‌باید تجربه‌ی لذت‌بخشی برای همگان باشد در طرح‌های خود بر اهمیت انسان و حضور او در فضاهای شهری تأکید می‌نماید.

1- Cullen

راب کریر و آلدو روسی نیز با توجه به پیش‌زمینه‌های حرفه‌ای خود بیشتر بر جنبه‌های معماری شهری تأکید داشته و به عرصه‌های عمومی از منظر کالبدی و فضایی توجه نموده‌اند. کریر ضمن انتقاد از سازماندهی شهرهای مدرن که به ایجاد فضاهای شهری در مقیاس پیاده بی توجه بوده‌اند، راه حل را بازگشت به انتظام گذشته شهرها و اصالت‌های دیرین میدان و خیابان می‌داند. کریستوفر الکساندر با طرح موضوع (۷ مرحله یا قاعده‌ی رشد) رشد تدریجی، رشد کل‌های بزرگ‌تر، آینده‌نگری، فضاهای شهری مثبت، تعیین طرح ابنیه‌ی بزرگ، انعکاس جوانب ساختمانی در نمای ابنیه، شکل‌گیری مراکز اصلی و فرعی به ابعاد کالبدی و رشد تدریجی و نظم غیرهندسی فضاهای شهری اشاره می‌نماید. محور اصلی در مطالعات کلیف ماتین و همکارانش طراحی شهری است و عرصه‌ی عمومی را به عنوان قلمروی اصلی این دانش - حرفه معرفی می‌نماید. ماتین طراحی شهری را مطالعه‌ی طرح عرصه‌ی عمومی شهر که خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها، پارک‌های شهر را به همراه نماهای ساختمان‌هایی که آن‌ها را تعریف می‌نمایند معرفی می‌کند. (کلیف، ۱۳۸۷: ۱۱).

از میان صاحب‌نظران ایرانی، علی مدنی‌پور برجسته‌ترین فردی است که عمده‌ی پژوهش‌های خود را بر روی فضاهای شهری متمرکز نموده است. کتاب طراحی فضای شهری وی در حال حاضر یکی از منابع اصلی در این زمینه در سطح جهانی است که در صدد ارائه‌ی تصویری مناسب از فعالیت میان‌رشته‌ای طراحی شهری و نیز ابعاد فیزیکی، اجتماعی و مکانی فضاهایی است که به کمک آن شکل می‌گیرند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۷). سوزان اس. فاینستاین^۱، نظریه‌ی شهر عدالت‌محور را ارائه کرده است. وی دستیابی به شهر عدالت‌محور را به عنوان هدف مناسب شهرسازی فرض کرده است. فاینستاین پس از مجادلات فلسفی و تجربی متعدد و بررسی گونه‌های مختلف آرای مرتبط با عدالت در شهر به این نتیجه می‌رسد که معیارهای اصلی شهر عدالت محور عبارتند: (۱) برابری^۲، (۲) مردم سالاری^۳ و (۳) تنوع^۴ (فاینستاین، ۲۰۱۰: ۱۷۱). یک فضای شهری جرم‌خیز با توجه به موقعیت و نوع چیدمان

1- Susan S. Fainstein
2- Equity
3- Democracy
4- Diversity

فضایی عناصر آن است که واجد این خصوصیت می‌شود وجود نقاط کور و عدم رؤیت مجرم توسط دیگران، شرایط مناسبی را برای بزهکاران و مجرمان ایجاد می‌کند. خوانایی یک شهر از طریق ابزار کالبدی آشکارتر می‌شود و به میزانی که یک کالبد بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگیهای کالبدی ارتباط نمادین ایجاد کند، یک شهر خوانا و ناخوانا ارزیابی می‌شود. عناصر فضایی شامل عناصر ثابت و متحرک از جمله کف، جداره، مبلمان و پوشش گیاهی هستند که نحوه‌ی چیدمان و شکل‌گیری آنها در امنیت و جرم‌خیزی محیط تأثیر بسزایی دارد (ادیبی و سعدی نژاد، ۲۰۱۲: ۸۷). بنابراین با توجه به چارچوب نظری سه فرضیه‌ی اصلی تدوین شد که بیان‌کننده‌ی ارتباط بین امکان ارتکاب جرم از نگاه افراد در فضاهای شهری و احساس امنیت در این فضاها همچنین ارتباط بین کیفیت طراحی فضاهای شهری و احساس امنیت در فضاهای شهری و در نهایت بین متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون جنسیت، سن، درآمد، وضعیت تأهل و احساس امنیت در فضاهای شهری بود.

روش تحقیق:

از بین روشهای تعریف شده از طرف صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی دانست. پژوهش از نوع مطالعات مقطعی، پهنانگر، توصیفی و کاربردی است که در سطح جامعه‌شناسی خرد انجام می‌شود و مراحل آن شامل مطالعه‌ی اکتشافی، تنظیم پرسشنامه، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها است. متغیر وابسته در این پژوهش احساس امنیت است، که اکثر صاحب‌نظران برآنند که امنیت مفهومی بیرونی و عینی^۱ و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی^۲ امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده‌ی فرد و احساس امنیت به معنای عدم وجود احساس درونی ناامنی است (مولر، ۲۰۰۰: ۲). در واقع احساس امنیت پدیده‌ای روانشناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی است. به لحاظ روش‌شناسی احساس امنیت سازه‌ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌ای متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه-

1- Objective

2- Subjective

گیری است (پورموذن جامی، ۱۳۸۳). منابع تأمین‌کننده‌ی احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت با یکدیگر است و این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار هستند، روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامع، چالش‌های بین گروه‌ها و جنبه‌های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه‌ی قضائیه، نظام پولی، نظام-مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و بسیاری دیگر از پارامترها ساختار میانی احساس امنیت در گروه‌های جامعه را شکل می‌دهند و در سطح خرد روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان و همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم روزانه افراد در محیط‌های شهری از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، خشونت، قتل و غیره و برخورداری اقتصادی اجتماعی افراد، احساس امنیت در سطح خرد را شکل می‌دهد (رفعتی، ۱۳۸۶) بنابراین احساس امنیت امری ذهنی است و معنی لغوی آن رهایی از تشویش است (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). در پژوهش حاضر احساس امنیت عبارت است از نبود تشویش و دلهره و نگرانی‌های خاص در مواجهه با امور مربوط به زندگی روزمره در فضاهای عمومی شهر است و در ابعاد جانی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی (آبرو و حیثیت) مورد سنجش قرار گرفته است.

متغیرهای مستقل عبارتند از الف: جرم که شامل مواردی از جرم و خشونت است که از بیشترین فراوانی وقوع در فضاهای شهری مناطق مورد بررسی برخوردار است و حضور افراد معتاد، موادفروش، سرقت، درگیری و نزاع و مزاحمت‌های خیابانی را شامل می‌شود.

ب: وضعیت کالبدی - فضای: با شروع انقلاب صنعتی و به دنبال آن حاکمیت تفکر مدرنیست و بویژه مطرح شدن تئوری شهر مناسب با اتومبیل شخصی از نقش و اهمیت فضاهای پیاده کاسته شد و به مرور فرد پیاده، جایگاه و الویت خود را در فضای شهری از دست داد. از سوی دیگر سیاست‌های منطقه‌بندی و تفکیک عملکردها و کاربری‌های شهری در دوران شهرسازی مدرن، باعث از دست رفتن پویایی و حیات شهرها شد که حاصل آن

وجود شهرهای با تقسیم مناطق همگن، جدایی طبقات اجتماعی از یکدیگر و حذف فعالیت‌های متنوع از شهر بود که نتیجه‌ای جز از میان رفتن سرزندگی و حیات‌بخشهای مرکزی شهرها نداشت (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۴۰).

در این پژوهش کیفیت طراحی شهری به عنوان یکی از شاخص‌های کالبدی و فضایی شهر در نظر گرفته شده است و شامل شاخصهای زیر است:

خوانایی، آموزندگی، نفوذپذیری و حرکت، همه شمول بودن، کیفیت عرصه‌ی همگانی، رنگ، همسازی با طبیعت و پاکیزگی محیطی فضاهای شهری است. تحلیل کالبدی در این تحقیق در برگیرنده‌ی جداره‌ی کف و مبلمان شهری پیاده‌روها می‌گردد: از جمله این موارد می‌توان به نماهای مجاور و اجزای ساختمانی مانند درب و پنجره، وجود عناصر و اجزای نازیبیا در نماها و دیوارها مانند کانال‌های کولر، سیم‌های برق و تلفن، پلاکاردها، هماهنگی یا عدم هماهنگی رنگ، اندازه، ارتفاع و عمق تابلوهای نصب شده، کیفیت سطح پیاده‌روها مانند سیستم هدایت آبهای سطحی، کیفیت پوشش سنگ‌فرش یا آسفالت، علائم و نمادهای موجود از جمله مجسمه‌ها و تابلوها و توانایی خوانش آنها و غیره.

جامعه‌ی آماری تحقیق را افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر خرم‌آباد تشکیل می‌دهند و شیوه‌ی نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. به این صورت که از بین مناطق یک، دو و سه شهری خرم‌آباد محله‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شده و در مراحل بعدی به شکل تصادفی محلات و نقاطی از شهر انتخاب شدند. ۳۶۸ پرسشنامه از فضاهای شهری مناطق سه‌گانه جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که توزیع نمونه‌گیری نرمال علاوه بر حجم نمونه به نسبت p به q نیز بستگی دارد بنابراین نسبت جزیی جمعیت به نسبت 60 به 40 و با محاسبه $e =$ حداکثر خطای قابل قبول در سطح اطمینان 95 درصد با در نظر گرفتن عرض فاصله‌ی اطمینان به مقدار 0.05 نتیجه محاسبه به شرح زیر حاصل می‌شود:

$$N = (3.84 \times 0.4 \times 0.6) / (0.0025) = 368$$

در نهایت تعداد ۳۶۱ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. متغیرهای سن و درآمد در سطح سنجش فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت. جنسیت به عنوان یک متغیر دو مقوله‌ای که یک برای مردان و ۲ برای زنان در نظر گرفته شد سطح تحصیلات در سطح ترتیبی و شامل ۶ سطح از ابتدایی تا کارشناسی ارشد و بالاتر می‌شد. وضعیت تأهل نیز یک متغیر اسمی که دارای دو مقوله مجرد و مزدوج است. سایر متغیرها به کمک طیف‌های که به شیوه‌ی لیکرت طراحی شد مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند.

پایایی: میزان روایی سازه‌ها در جدول شماره‌ی ۱ آمده است که به نظر می‌رسد همه سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی دارای روایی‌اند.

جدول شماره‌ی ۱: میزان پایایی متغیرهای تحقیق

مقیاس پایایی	طبقات	سطح سنجش	تعداد گویه	ابعاد	متغیر	نوع متغیر
۰/۸۵	خیلی زیاد	ترتیبی	۸	اجتماعی	احساس امنیت	وابسته
	زیاد			اقتصادی		
	متوسط			محیطی		
	کم			جانی		
۰/۸۶	خیلی زیاد	ترتیبی	۱۲	مزاحمت‌های خیابانی	جرم	مستقل
	زیاد			خشونت		
	متوسط			اعتیاد و فروش مواد		
	کم			سرقت		
۰/۷۱	خیلی زیاد	ترتیبی	۴	خوانش نمادها و علائم	طراحی شهری	
	زیاد			همسازی با طبیعت		
	متوسط			کیفیت عرصه همگانی		
۰/۶۸	کم		۳			
۰/۶۹	خیلی کم		۳			

۰/۷۰			۳	رنگ آمیزی فضا		
۰/۷۵			۳	نفوذ پذیری		
۰/۷۲			۳	پاکیزگی محیط		

یافته‌های پژوهش:

نمونه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق، شامل ۳۶۱ نفر بود که از این تعداد ۵۲/۴ درصد مرد و ۴۷/۶ درصد را زن بودند. از نظر توزیع سنی جمعیت ۵۴/۳ درصد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۹/۱ درصد جمعیت بین ۳۹ تا ۴۰ سال و ۶/۶ درصد جمعیت بین ۵۰ تا ۷۰ سال قرار داشتند. از لحاظ وضعیت تأهل ۵۶/۲ درصد مجرد و ۴۸/۳ درصد متأهل بودند. از نظر درآمد ۱۴/۱ درصد درآمدی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۳۹/۹ درصد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۷/۸ درصد بین ۷۰۰ تا ۱ میلیون تومان و ۴/۲ درصد درآمدی بالای ۱ میلیون تومان اعلام کردند. از نظر میزان تحصیلات ۱۳/۲ درصد سیکل و زیر سیکل، ۵۱/۲ درصد در سطح دبیرستان و ۳۵/۶ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند.

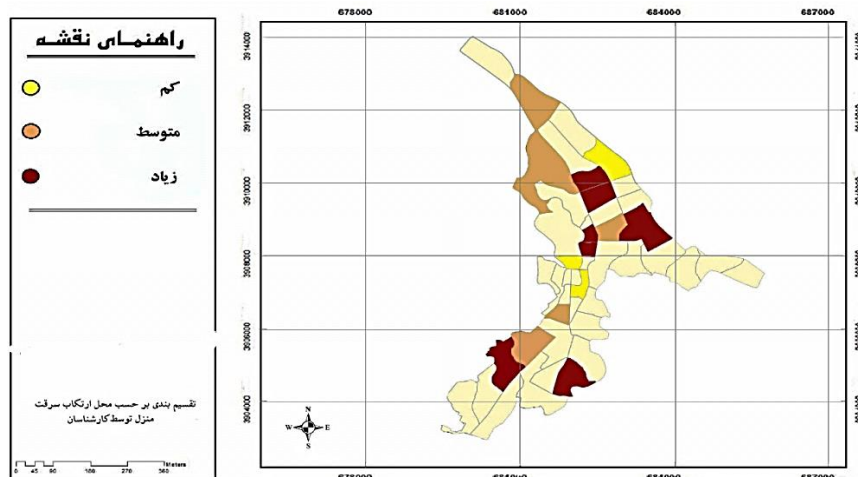
احساس امنیت: توزیع فراوانی و درصدی متغیر احساس امنیت در بین پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۳۴/۳ درصد احساس امنیت کم ۲۵/۵ درصد زیاد، ۱۴/۴ درصد متوسط، ۱۶/۹ درصد خیلی کم و ۸/۹ درصد احساس امنیت زیادی داشته‌اند. بر این اساس شاخص کل احساس امنیت حاکی از پایین بودن احساس امنیت در منطقه‌ی مورد مطالعه است.

جرم: توزیع فراوانی و درصدی متغیر نگرانی در مورد وقوع جرم در بین پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۳۲/۱ درصد زیاد، ۲۴/۱ درصد متوسط، ۱۷/۵ درصد خیلی زیاد، ۱۶/۹ درصد کم و ۹/۴ درصد خیلی کم نگرانی خود را از وقوع جرم اعلام کردند بنابراین اکثر پاسخ‌گویان (۳۲/۱ درصد) بیشتر نگران وقوع جرم در منطقه‌ی مورد مطالعه هستند.

طراحی کیفیت شهری: توزیع فراوانی و درصدی متغیر کیفیت طراحی شهری در بین پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۴۲/۱ درصد متوسط، ۲۹/۶ درصد کم، ۲۰/۲ درصد زیاد، ۶/۱ درصد خیلی کم و ۱/۹ درصد خیلی زیاد کیفیت طراحی شهر را ارزیابی کرده‌اند بنابراین اکثر پاسخ‌گویان (۴۲/۱ درصد) کیفیت طراحی شهری را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

توزیع فضای جرم سرقت منزل در سطح شهر خرم آباد از دید مردم

نتایج نشان داد که محلات قاضی آباد، فازیک، کیو، شیرخوارگاه، مطهری به ترتیب از نظر آزمودنی‌ها بیشتر از سایر مناطق سطح شهر در معرض خطر جرم قرار دارند. همچنین از دید مردم کمترین موارد جرم در محلات کوی ارتش، پارسیلون و آزادگان است.



نمودار شماره ۱: توزیع فضایی جرم از دیدگاه آزمودنی‌ها

برای سنجش رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناسی و احساس امنیت از ضریب همبستگی رو اسپیرمن و وی کرامرز استفاده شده است به طوری که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد نتایج همبستگی اسپیرمن رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای سن، درآمد وضعیت تاهل و تحصیلات با احساس امنیت مشاهده نشد اما بین متغیر جنسیت و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری مشاهده شد؛ به عبارت دیگر با ۹۵٪ سطح اطمینان و خطای ۰/۰۵ درصد، بین جنسیت و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: بررسی رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی و احساس امنیت

متغیر مستقل		احساس امنیت	متغیر مستقل	
سن	r	۰/۰۶	درآمد	r
	sig	۰/۳۲۴		۰/۰۵
جنسیت	V کرامرز	۰/۲۲۷	وضعیت تاهل	r
	sig	۰/۰۵		۰/۰۷۷
تحصیلات	r	۰/۰۸۵		
	sig	۰/۲۸۱		

با توجه به داده‌های جدول شماره‌ی ۳ رابطه‌ی معنادار و معکوسی بین جرم و احساس امنیت مشاهده شد. می‌توان گفت که بین جرم و احساس امنیت با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه‌ی معناداری وجود دارد و این رابطه‌ی معکوسی است؛ به این معنا که هرچه نگرانی در مورد وقوع جرم کمتر باشد، احساس امنیت بیشتری در بین پاسخگویان مشاهده می‌شود؛ از طرفی مقدار این رابطه برابر با ۰/۴۱- است.

همچنین بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی ۳ بین متغیرهای خوانش نمادها و علائم، همسازی با طبیعت، کیفیت عرصه‌ی همگانی، رنگ‌آمیزی فضا، نفوذ پذیری و پاکیزگی فضاهای شهری با احساس امنیت رابطه‌ی معناداری مشاهده می‌شود اما هرچند که این رابطه از نظر آماری معنادار است تنها رابطه‌ی ضعیفی را بین این این متغیرها نشان می‌دهد و تنها میزان نفوذپذیری فضاهای شهری و همسازس با طبیعت همبستگی بالاتری را نشان می‌دهد. در بقیه‌ی متغیرها واریانس مشترک بین متغیر وابسته و مستقل ضعیف است.

جدول شماره‌ی ۳: همبستگی رواسپیرمن بین متغیرهای مستقل و وابسته

احساس امنیت		متغیر وابسته
مقدار ضریب	سطح معناداری	متغیر مستقل
۰/۰۰۸	-۰/۴۱۱	جرم
۰/۰۴۰	۰/۲۶۱	خوانش نمادها و علائم
۰/۰۰	۰/۳۰۲	همسازی با طبیعت
۰/۰۰۶	۰/۱۴۴	کیفیت عرصه‌ی همگانی
۰/۰۰	۰/۲۳۷	رنگ‌آمیزی فضا
۰/۰۲	۰/۴۰	نفوذ پذیری
۰/۰۰۶	۰/۱۷۰	پاکیزگی محیط

یافته‌های تبیینی دو متغیره

نتایج آزمون‌های گاما و کندال درباره‌ی رابطه‌ی نگرانی از وقوع جرم و احساس امنیت حاکی از آن است که میزان احساس امنیت بر حسب میزان نگرانی از وقوع جرم در فضاهای شهری (پیاده‌روها) متفاوت است. نتایج جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی تاوی-بی کندال (۰/۳۴-)، با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچکتر از

۰/۰۵ رابطه‌ی آماری معنادار و معکوسی بین نگرانی از وقوع جرم و احساس امنیت وجود دارد؛ به این معنا که هرچه نگرانی از وقوع جرم بیشتر باشد، میزان احساس امنیت کمتر است. بنابراین فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره ۴: جدول توافقی جرم و احساس امنیت

	جرم					جرم/ احساس امنیت	
	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
٪۱۰۰/۰	٪۳/۳	٪۲۴/۶	٪۱۳/۱	٪۴۱/۰	٪۱۸/۰	خیلی زیاد	احساس امنیت
٪۱۰۰/۰	٪۱۵/۳	٪۱۸/۵	٪۳۷/۱	٪۱۶/۹	٪۱۲/۱	زیاد	
٪۱۰۰/۰	٪۵/۸	٪۴۶/۲	٪۲۵/۱	٪۱۵/۴	٪۷/۷	متوسط	
٪۱۰۰/۰	٪۳۱/۵	٪۴۱/۳	٪۲۰/۷	٪۴/۳	٪۲/۲	کم	
٪۱۰۰/۰	٪۳۱/۲	٪۵۰/۰	٪۳/۱	٪۹/۴	٪۶/۲	خیلی کم	
٪۱۰۰/۰	٪۱۷/۵	٪۳۲/۱	٪۲۱/۱	٪۱۶/۹	٪۹/۴	کل	

Gamma: -.0446 Sig <0.05

Kendall's tau_b: -.34 Sig <0.05

نتایج آزمون‌های گاما و کندال درباره‌ی رابطه‌ی کیفیت طراحی شهری و احساس امنیت حاکی از آن است که میزان احساس امنیت بر حسب میزان کیفیت طراحی شهری در فضاهای شهری (پیاده‌روها) متفاوت است. نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی تاوی-بی کندال (۰/۲۳)، با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه‌ی آماری معناداری بین کیفیت طراحی شهری و احساس امنیت وجود دارد؛ به این معنا که هرچه کیفیت طراحی شهری بیشتر باشد، میزان احساس امنیت بیشتر است. بنابراین فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵: جدول توافقی کیفیت طراحی شهر و احساس امنیت

کل	کیفیت طراحی شهری					کیفیت طراحی شهری / احساس امنیت	
	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
٪۱۰۰/۰	٪۲۴/۶	٪۳۱/۱	٪۲۷/۹	٪۱۳/۱	٪۳/۳	خیلی زیاد	احساس امنیت
٪۱۰۰/۰	٪۵/۶	٪۲۸/۲	٪۴۹/۲	٪۱۲/۹	٪۴/۰	زیاد	
٪۱۰۰/۰	٪۷/۷	٪۳۲/۴	٪۳۲/۷	٪۱۷/۳	٪۹/۶	متوسط	

٪۱۰۰/۰	٪۳/۴	٪۲۷/۴	٪۳۳/۷	٪۲۸/۱	٪۷/۹	کم	
٪۱۰۰/۰	٪۱۴/۳	٪۱۴/۳	٪۳۷/۱	٪۲۸/۶	٪۵/۷	خیلی کم	
٪۱۰۰/۰	٪۹/۴	٪۲۷/۷	٪۳۸/۲	٪۱۸/۸	٪۵/۸		کل

Gamma: ۰.۳۲ Sig <0.05

Kendall's tau_b : ۰.۲۳ Sig <0.05

نتیجه گیری:

نتایج نشان می‌دهد که در مقام مقایسه بین امکان وقوع جرم و کیفیت طراحی شهری، امکان وقوع جرم رابطه‌ی قوی‌تری با احساس امنیت دارد. جرم و خشونت در کاهش احساس امنیت و حضور در فضاهای عمومی شهری مؤثر است. هیلر معتقد است حضور مردم، احساس امنیت را در فضای عمومی ارتقا داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد (هیلر، ۱۹۸۴: ۵۲). نتایج حاکی از آن است که بین کیفیت طراحی شهری و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ بر همین اساس باید به الزامات کالبدی و اجتماعی طراحی شهر توجه خاصی نمود چرا که توجه نکردن به این موضوع زمینه‌های لازم را برای آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن کاهش احساس امنیت فراهم می‌آورد بنابراین معماری باید محیط‌های انسان‌ساخت را بدان گونه طراحی کند که از پتانسیل کافی برای وقوع جرم بکاهد و احساس امنیت را برای حضار فراهم نماید. حضور فعال مردم در فضاهای شهری از عوامل افزایش احساس امنیت است. تسلط، دیدن فضا، کیفیت فضا چه از لحاظ پاکیزگی، همسانی با طبیعت، نفوذپذیری فضاها و دیده شدن توسط دیگران موجب احساس ایمنی است. احساس انسان در فضا وابسته به قلمروهای فضایی است که به او تجربه حس امنیت می‌دهد و اینگونه نواحی بر رفتار انسان اثر می‌گذارند و در نتیجه انسان با توجه به احساسات مختلف حاصل از قلمرو یا محیط زندگی رفتار خاصی بروز می‌دهد.

منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (از آرمان تا واقعیت)*. جلد اول. تهران: آرمان شهر.
- پورمؤذن جامی، محمدهادی. (۱۳۸۳). نگاهی به آسیب‌شناسی امنیت ملی، *فصلنامه‌ی مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال یکم، شماره‌ی یک.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۸). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی* (حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، مترجمان): تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رفعتی، سید عزیز. (۱۳۸۶). بررسی میزان امنیت شهروندان منطقه ۲۰ بعد از اجرای طرح ارازل و اوباش در تهران بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت انتظامی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- عباس زادگان، مصطفی. (۱۳۸۳). *نگرش نهضت مدرن معماری، شهری به فضاهای شهری - شهرداریها ۶۷ - سازمان شهرداریها - صص ۳۹-۴۵*.
- قرایی، فریبا؛ رادجهانبانی، نفیسه؛ رشیدپور، نازیلا. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، *فصلنامه‌ی آرمان شهر*، شماره‌ی ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لطفی، صدیقه؛ و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه‌ی موردی کلانشهر شیراز)، *مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ۵، شماره‌ی ۱۹، زمستان ۱۳۹۳.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران، چاپ اول، تهران.
- موتین، کلیف. (۱۳۸۷). طراحی شهری آذین و تزئین؛ معماری گلین قبایل هوسا در نیجریه، ترجمه‌ی وحید وحدت‌زاد، *فصلنامه‌ی آبادی*، سال ۱۸، شماره‌ی ۶۰.
- مویدی، همایون؛ طیبیان، منوچهر؛ رضایی، ناصر. (۱۳۹۲). تحلیل امنیت در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی، *فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره‌ی ۳۵، پاییز ۱۳۹۲.

- نصیری، حسین. (۱۳۸۴). امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره‌ی ۲۱۶-۲۱۵.
- Ackah, Y.(2000). "Fear of crime among an immigrant population in the Washington metropolitan area", **Journal of Black Studies**, Vol., 30, pp. 553- 573
 - Adibi saadi nejad, F. Azimi, A (2012). Security Explaining in the Urban environment based on physical parameters and design. **Amayesh Journal**, No. 15, winter. [in Persian]
 - Bemanian, M. Mahmoodi nejad, H., (2010). A study in evaluation of factors influencing urban security sense. **Modiriyat Shahri**. No. 19, Spring. [in Persian]
 - Carmona, Matthew.: Heath, Tim.: Oc, Taner.: Tiesdell, Steve. (2003). **Public Places, Urban Spaces**. Oxford, Architectural Press.
 - Evans, D and Fletcher, M.(2008). "**Fear of crime**: testing alternative hypothesis", **Applied Geography**, Vol., 20, pp.395- 411.
 - Fainstein, Susan S. (2010), "**The Just City**", Cornell University Press, Ithaca and London.
 - Gosling, David (1996), "**Gullen Gordon: Vision of Design**", Academy Editions, Britain.
 - Gullen, Gordon (1961), "**The Concise Twonskape**", Architectural Press, London.
 - Hillier, B. (1996), **Cities as Movement Systems**, urban design International, 1.
 - Jacobs, Jane (1996), "**Tod und Lebengrober Amerikanischer stadte**", Verlage uhlstein GbmH, Frankfurt.
 - Mays, M.(2001). The Structural Determinants of Fear of Crime. Ph.D dissertation, The University of Texas at Arlington.
 - McGarrell, E., Giacomazzi, A. and Thurman, Q.(1997). "**Neighborhood disorder, integration and the fear of crime**", **Justice Quarterly**, Vol., 14, pp. 479-500.
 - Moller Bjorn (2000). "National, Societal and Human security: Discussion-Case study of the Israel - Palestine Cnflct". **Neighborhoods**, New York: Free Press.of crime", **The Journal of Criminal Law and Criminology**, Vol., 77, pp. 151-189.
 - Perkins, D., and Taylor, R.(1996). "Ecological assessments of community disorder: Their relationship to fear of crime and theoretical implications", **American Journal of Community Psychology**, Vol., 24, pp. 63-107.
 - Salehi. A. (2009). **Environmental Specifications of Safe Urban Spaces**. Architecture and Urban Development Reserch center Press. [in Persian]
 - Schafer, J., Huebner, T., and Bynum, T.(2006). "**Fear of crime and criminal victimization: gender-based contrasts**", **Journal of Criminal**

- Justice, Vol., 34, pp. 285-301.
- Skogan, w.(1990). **Disorder and Decline: Crime and the Spiral of Decay in American**
 - Tvassoli, M. (2013). **Urban Design**. Omran & Behsazi Press. [in Persian]
 - Waldock, Reece. (2012) . **Designing for pedestrians: guidelines**. Department of Transport: [http:// www.transport .wa.gov. au/ media Files/WALK_P_ Walkability_Audit_Tool.pdf](http://www.transport.wa.gov.au/media/Files/WALK_P_Walkability_Audit_Tool.pdf)
 - Zukin, S. (1995), **The Cultuer of Cities**, New York, Blakwell publishers.